**مأخذ ابیات عربی مرزبان نامه**

**مهدوی دامغانی، احمد**

کتارکة بیضها بالعراء و ملبسة بیض اخری جناحا(ص 115)

ترجمه-چون(شترمرغی)که رهاکننده است بیضه‏ی خود را در بیابان و پوشاننده است پر خویش را بر بیضه(شترمرغهای)دیگر.

بشرحیست که مرحوم قزوینی(قده)در پاورقی بدان اشاره فرموده است. (احوق)در متن چاپی پاورقی غلط مطبعیست و صحیح آن(اموق)است)این بیت‏ ثانی بیت دیگریست بدین تفصیل:

و انّی و ترکی ندی الاکرمین‏ و قد حی بکفّی زنداشحاحا...

و ابراهیم بن‏علی بن‏هرمة گویندهء این ابیات از شاعران فصیح قرن دوم و شیعه مذهب و مدّاح اهل بیت عصمت سلام اللّه علیهم اجمعین بوده است و او آخرین‏ کسی است که احتجاج و استشهاد بکلام او در(لغت)جایز است در سال ولادت و وفات او اختلاف است و مسلّما در سال(140-هجری)حیات داشته و برای اطلاع‏ از بحث انتقادی بر این شعر مراجعه فرمائید بکلام(ابن طباطبا)در(عیار الشعر ص‏125).

\*\*\*

فلا تصحب أخا الحمق‏ و ایّاک و ایّاه‏ فکم من جاهل أردی‏ حکیما حین آخاه‏ وللقلب علی القلب‏ دلیل حین یلقاه‏ و للنّاس من النّاس‏ مقاییس و أشباه ص 155

ترجمه-با نادان همنشینی مکن و زنهار که با او باشی که بسا دانائی که چون با دانایی‏ رشتهء برادری پیوست آن دانا را بهلاکت رسانید.و از هر دل بر دل(دیگر)راهنمائی است، هنگامی که بدان مپرسد،و برای مردم از میان خود مردم هم‏اندازه و همانند یافت میشود (یعنی هرکس باهم‏جنس خود همبستگی و هم‏نشینی دارد)

این ابیات بدین صورت جر و مقطوعهء(لا اقل هشت بیتی)و یا قصیده‏ایست که‏ بگمان برخی(از جمله ابن قتیبه در«عیون الاخبار ج 3 ص 8»)از آن(ابی‏ العتاهیه)است ولی البته در دیوان ابی العتاهیه از آن نشانی نیست.احتمال میرود که این ابیات ترجمهء منظومی باشد از کلمات حکیمانه‏ای که(شاید به خط و زبان‏ فارسی قدیم یا سریانی یا یمنی بخط مسند)بر سنگی منقور شده بوده است و آنچه را هم که(ابن عبد ربّه)در(عقد الفرید ج 2 ص 331)و(ابن قتیبه)در(عیون الاخبار ج 3 ص 79)نقل میکنند مؤید این معنیست.و رجوع فرمایند(الصّداقة و الصّدیق‏ ابی حیّان ص 38)و(روضة العقلاء بستی ص 89)و(موشی ص 8).

\*\*\*

ألا ربّ ذلّ ساق للنفس عزّة و یا ربّ نفس بالتعزّز ذلّت(ص 158)

ترجمه-هان،بسا خواری که عزت و ارجمندی را به(سوی)کسی رانده است و ای‏ بسا کسا که با ارجمند وانمود کردن خویش،خوار گشته است.

1)این بیت را در میان مقطوعهء پنج بیتی(ابو نصر سراج در لمع ص 250) و(سهروردی در عوارف ص 46)به(ابراهیم خوّاص)صوفی مشهور نسبت داده‏اند و(سلمی در آداب الصحبة ص 39)آنرا در مقطوعهء سه بیتی بدون نسبت آورده است. 2)قاضی تنوخی در(الفرج بعد الشدة ص 459)همین بیت را در مقطوعه‏ پنج بیتی دیگری فقط برخی مصاریع آن با مقطوعه وارده در(لمع)متحّد است‏ به(ابی الحسن علی ابن بسّام)شاعر مشهور و مؤلف کتاب معروف(الذخیرة فی محاسن‏ اهل الجزیرة)متوفی در 303 نسبت میدهد.

3)سبکی در طبقات الشافعیة ج 3 ص 97 سیزده بیت که شامل مجموع هر دو مقطوعه پنج بیتی(لمع)و(الفرج بعد الشدّة)بضمیمه سه بیت دیگر است با اسناد مطولی‏ بدون ذکر قائل ابیات آورده است بدینشرح که أخبرنا...عن...عن...قال... قال انشدنا الامام ابو السحق الشیرازی ببغداد و لم یسم قائلا:الابیات الثلثة عشر.

\*\*\*

و انّی لو تعاندنی شمالی‏ عنادک ما وصلت بها یمینی(ص 158)

ترجمه-من،اگر دست چپم با من دشمنی کند آن چنانکه تو دشمنانگی میکنی آنرا بدست راستم نمیرساندم(نمیزدم-میبریدم و بدور می‏انداختم).

این بیت از قصیدهء بسیار نغز و فاخر(عائذ بن ثعلبه)یا(محصن بن ثعلبه) معروف و ملقب به(مثقّب عبدی)است که(مفضّل)آنرا جزو مختارات خویش آورده‏ است(مفضلیه 76)وبیت حاضر بتنهائی و یا با بعض ابیات دیگر آن قصیده در (الشعراء 356)و(حماسه بحتری 63)و(طبقات جمحی 230)و(محاسن و مساوی‏ 205)نیز آمده است.ضمنا ناگفته نماند که بعلت تشابه وزن و روی،بسیاری از ابیات قصیده(مثقب)باقصیده(سحیم بن وثیل ریاحی)که مطلع آن بیت مشهور:

انا ابن جلا و طلاّع الثنایا متی أضع العمامة تعرفونی

است خلط شده است و علامهء جلیل مرحوم(احمد محمد شاکر)در این باره تحقیق‏ وافی بذل فرموده و آنرا از هم جدا کرده است.شکر اللّه تعالی سعیه.

\*\*\*

اذا العود لم ینمر و ان کان اصله‏ من المثمرات اعتدّه الناس فی الحطب(ص 160)

ترجمه-اگر چوب(شاخ)بر ندهد هرچندکه اصلش از درختان بارور و بر دهنده باشد مردم آنرا از(چوب)هیمه سوختنی میشمارد.

از(ابن الرومی)است در مقطوعه شش بیتی او(دیوان ص 115)(لباب الاداب‏ 233)(منتحل 192).

توضیح و تصحیح

گرچه سابقا هم بعرض خوانندگان محترم رسید تصحیح اغلاط مطبعی این مقالات از عهدهء مصحح مجله و بنده بیرون است که:«با همگان بسر شود اما با حروفچین بسر نمی‏شود» و خوانندگان خود بمدد فضل و عنایت خویش با غلاط مطبعی توجه و بصورت صحیح آن تفرس‏ خواهند فرمود،اما با اینهمه تذکر یک غلط مطبعی واردهء در شماره گذشته(که بهمین صورت‏ مطبوعه غلط هم ممکن است در نظر برخی صحیح بیاید و موجه باشد،لازم است و آن کلمهء ...وّطف در بیت بحتری ص 460 است که بعلت پس و پیش شدن علامت شدّ کلمه وصف«وطف» بصورت فعل«و،طف»در آمده است.مهدوی دامغانی